

اسرائیل در گرداب

ارتش رژیم غاصب صهیونیستی هفته‌هاست برای حمله به غزه گارد گرفته و علی‌رغم آنکه اعلام کرده طرح آمادگی برای حمله گسترده به رفح دارد، این حمله صورت نگرفته است. با توجه به وضع به هم ریخته رژیم، به نظر می‌آید ارتش برای عملیات با دشواری زیاد مواجه است و این دشواری‌ها می‌تواند تخریب بی‌نتیجه رفح را به چالش جدید آن تبدیل کند.

به گزارش سایت خبری پرسون، سعدالله زارعی در یادداشتی نوشت: در حد فاصل ۲۶ فروردین تا امروز یعنی نزدیک به دو هفته انواعی از رخدادها، رژیم غاصب جنایتکار صهیونیستی را در منگنه قرار داده و منفعل کرده است؛ عملیات سهمگین «وعده صادق»، درگیر شدن مرابطین اسرائیل در منطقه - به طور خاص ترکیه و اردن - با پیامدهای همکاری آنان با این رژیم در جریان عملیات وعده صادق، تظاهرات عظیم ضداسرائیلی در دانشگاه‌های مهم و بزرگ آمریکا و ده‌ها دانشگاه در اروپا و درگیری نیروهای امنیتی، انتظامی و نظامی این کشورها با دانشجویان و اساتید معترض، آماده شدن دادگاه بین‌المللی لاهه برای صدور احکام بازداشت برای رهبران سیاسی و نظامی رژیم غاصب به جرم نسل‌کشی، تشدید درگیری‌ها میان جوانان فلسطینی با نیروهای امنیتی - نظامی رژیم غاصب در کرانه باختری، تشدید اختلافات میان اعضای کابینه نظامی اسرائیل، تشدید عملیات‌های تهاجمی حزب‌الله و تسری آن به عمق ۱۵ کیلومتری رژیم و توسعه اقدامات انصارالله یمن علیه کشتی‌ها و ناوهای مرتبط با رژیم، منظومه‌ای از اقدامات درهم‌تنیده را علیه اسرائیل پدید آورده که بدون شک در طول تاریخ ننگین آن بی‌سابقه می‌باشد در این خصوص گفتنی‌هایی وجود دارد:

۱- بعضی شخصیت‌های شناخته‌شده غربی از جمله «جان مرشایمر» ۸ اردیبهشت ماه / ۲۷ آوریل در مصاحبه با «پیرز مورگان» گفت این حماقت اسرائیل بود که با حمله به کنسولگری ایران سبب شد ایران احتمالاً به سمت دستیابی به تسلیحات هسته‌ای حرکت کند و من می‌گویم اگر ایران به تسلیحات هسته‌ای دست یابد، جهان امن‌تر خواهد شد. این عبارت بدان معناست که رژیم غاصب در بازی جنگ، با وجود برخورداری از شبکه‌ای از مستشاران باتجربه غربی و با وجود پشتگرم بودن به حمایت آنان، عرصه را باخته است و جبهه مقاومت با در اختیار داشتن برگ‌هایی که رو نکرده می‌تواند اقدامات رقابتی کهنه‌کار را کنترل کند. البته در صحنه اخیر، مواجهه ایران با چند قدرت اتمی، مواجهه از موضع اتمی نبود و این نشان می‌دهد همین حالا هم موازنه قدرت کلاسیک دستخوش تغییراتی شده است.

۲- عملیات وعده صادق صفحه جدیدی در منطقه گشوده است. این صفحه فقط قدرت‌نمایی ایران نیست، گشودن فصل جدیدی از روابط با دولت‌های منطقه نیز می‌باشد. الان منطقه در برابر دو واقعیت قرار گرفته که خواه‌ناخواه به سمت یکی میل پیدا می‌کند؛ یک واقعیت این است که دولت‌های غربی و به ویژه انگلیس و آمریکا طی دهه‌ها سال با سلطه بر کشورهای عرب و غیرعرب منطقه عملاً این کشورها را ضعیف کرده و دست آخر منافع آنان را قربانی رژیم غاصب سرزمین‌های عربی - اسلامی کرده و امروز این دولت‌ها را در مقابل ملت‌هایشان هم قرار داده و بنیان آنها را با تهدید داخلی هم مواجه گردانیده است. یک واقعیت دیگر این است که کشوری که طی حدود ۴۰ سال گذشته، در معرض بیشترین تهدید از سوی قدرت‌های غربی بوده به آنچنان توانمندی‌هایی رسیده است که دیگر، قدرت‌های غربی حتی به صورت ائتلاف هم قادر به شکست آن نیستند. ایران یک قدرت متجاوز نیست و وجدان عمومی منطقه می‌گوید دولتی که در طول ۴۵ سال گذشته حتی رفتارهای خصمانه همسایگان را نادیده گرفته، به دنبال تهدید آنان نیست. ضمناً کشورهای منطقه قاعداً درک می‌کنند که نمی‌توان در مصاف بین یک کشور اسلامی و قدرت‌های غربی، تماشاچی بود. در چنین وضعیتی ایجاد رابطه قوی درون منطقه‌ای و توافقات دو و چندجانبه درون منطقه‌ای می‌تواند عمق امنیتی درازمدت برای همه ایجاد کند و جلوی هر رخداد امنیتی نامطلوب را بگیرد.

۳- راه افتادن موج اعتراضات و تحصن‌ها در دانشگاه‌های بسیار مهم آمریکا و کشورهای اروپایی و سرایت آن به دانشگاه‌ها در نقاط دیگر دنیا برای موضوعی خارج از مرزهای ملی آنها، یک «پدیده مهم» به حساب می‌آید. اینکه جمعیتی از یک کشور درباره یک موضوع یا رخداد داخلی به خیابان بیایند، نظیر آنچه در جریان جنبش وال استریت آمریکا یا جنبش جلیقه‌زرها در فرانسه رخ داد، طبیعی و مسبوق به سابقه است ولی اینکه دانشگاه‌های یک کشور به طور نسبتاً یکپارچه برای موضوعی که در مرزهای جغرافیایی و حتی مرزهای نژادی و دینی آنان هم قرار ندارد، برای روزهای متوالی به خیابان بیایند و هزینه اخراج، مشروط شدن، جریمه‌های مالی، زندان و ضرب و شتم بپردازند، این یک پدیده بسیار مهم است و نشان می‌دهد میان سیستم‌های حکومتی غرب که یهودمحور است و نگرش‌های نخبگان حتی در دانشگاه‌هایی که با پول یهودیان و کمپانی‌های اسلحه‌سازی تأسیس و اداره می‌شوند، شکاف عمیق پدید آمده است. از حیث معرفتی نسل جدید در غرب از حاشیه‌ها به میدان‌ها آمده‌اند، پیش از این اعتراضات نهفته «آنتی‌وارها» که جنبه اجتماعی و سیستمی نداشتند، وجود داشت اما حالا یک جنبش معترض فراگیر در داخل سیستم غرب پدید آمده که می‌تواند در موضوعات مختلف ورود نموده و تحولات مهمی را در پی داشته باشد. به نظر می‌رسد دقیقاً به همین دلیل دولت‌های آمریکا، انگلیس و فرانسه علی‌رغم شعارهای آزادی و دموکراسی در مواجهه با این جنبش همه قدرت سخت و نرم خود را به‌طور خیلی عریان به صحنه آورده‌اند. این جنبش، دست به نقد یک چالش اساسی برای دولت بایدن می‌باشد و آن را با مخصصه زیاد مواجه کرده است. حزب دموکرات زمان زیادی ندارد و نشانه‌ای هم از نزدیک بودن زمان پایان جنگ غزه دیده نمی‌شود. بنابراین اعتراضات در محیط‌های نخبگی استمرار می‌یابد و دوقطبی هواداران اسرائیل و مخالفان اسرائیل کار دست بایدن و حزب دموکرات می‌دهد.

۴- روند تحولات منطقه، دو کشور ترکیه و اردن را به دلیل همکاری با رژیم غاصب و کودک‌کش در جریان عملیات ضداسرائیلی وعده صادق، در وضعیت ضعیف قرار داده است. سخنان توجیه‌گرانه پی‌درپی رجب طیب اردوغان و ملک عبدالله بیانگر مخمصه‌ای است که در آن گرفتار شده‌اند. وضعیت منطقه بیانگر آن است که هیچ کشور مسلمانی نمی‌تواند در منازعه‌ای که یک طرف آن مردم مظلوم غزه، زنان و کودکان شهید، زخمی و آواره فلسطینی هستند،

در وضع بیطرفی قرار بگیرد، چه رسد به اینکه مانند دولت‌های ترکیه و اردن در کنار رژیم قاتل و علیه فلسطینی‌ها قرار داشته باشند.

طی روزهای پس از عملیات وعده صادق مطبوعات وابسته به رجب طیب اردوغان، ابتدا تلاش کردند تا موضوع را منحرف کرده و با عنوان‌گذاری جنگ ایران و اسرائیل، همکاری اطلاعاتی با رژیم غاصب را لاپوشانی کنند، اما این چیزی نبود که پذیرفته شود لذا اردوغان مدعی شد «هیچ نوع همکاری اطلاعاتی میان پایگاه «کوراچیک» و رژیم صهیونیستی رخ نداده و این پایگاه به‌طور معمول به تبادل اطلاعات با شرکای خود - آمریکا، فرانسه و انگلیس - پرداخته است» و حال آنکه می‌داند در شب عملیات وعده صادق، این سه کشور برای دفاع از اسرائیل «حلقه آتش» تشکیل داده و رسماً به جنگ پهبادهای و موشک‌های ایران آمدند.

ملک عبدالله هم برای فراز از ننگی که به بار آورده مدعی شد «جنگ غزه به میدان انتقام ایران و اسرائیل تبدیل شده و ما - عرب‌ها - قربانی این جنگ نخواهیم شد» و حال آنکه به خوبی می‌داند فلسطینی‌ها اولین کسانی بودند که از عملیات ایران احساس راحتی و پیروزی کردند. قدر مسلم هم دولت اردوغان در ترکیه و هم دولت عبدالله در اردن پاسخ خیانت خود به مسلمانان را نه از طرف ایران بلکه از سوی ملت‌های خود خواهند دید.

با کمال تأسف باید گفت بعضی دولت‌ها در منطقه علی‌رغم لطمه‌هایی که غرب طی ده‌ها سال به استقلال و حیثیت آنان زده است، حتی در مصاف میان یک کشور اسلامی و غرب، خود را بخشی از جبهه غرب به حساب آورده و زمین و امکانات کشور خود را برای شکست دادن طرف مسلمان در اختیار رژیم غاصب قرار داده‌اند و جالب این است که بعضی از آنها پشت نقاب اسلام‌گرایی پنهان شده‌اند.

۵- ارتش رژیم غاصب صهیونیستی هفته‌هاست برای حمله به غزه گارد گرفته و علی‌رغم آنکه اعلام کرده طرح آماده‌ای برای حمله گسترده به رفح دارد، این حمله صورت نگرفته است. با توجه به وضع به هم ریخته رژیم، به نظر می‌آید ارتش برای عملیات با دشواری زیاد مواجه است و این دشواری‌ها می‌تواند تخریب بی‌نتیجه رفح را به چالش جدید آن تبدیل کند. خود این موضوع در کنار از سرگیری شلیک موشک‌ها از منطقه شمالی غزه و تأکید حماس بر شروط خود در مذاکرات سیاسی؛ وضع رژیم را نشان می‌دهد.